

رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران

رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران:

رئیس جمهور کنونی آمریکا در دادگاه عادلانه بین‌المللی محاکمه خواهد شد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در نماز جمعه امروز تهران تصریح کردند: اعتقاد راسخ دارم که روزی خواهد آمد که رئیس جمهور کنونی آمریکا و مسئولین آمریکایی در دادگاه عادلانه بین‌المللی به خاطر فجایعی که در عراق به وجود آورده‌اند، محاکمه شوند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین نحمده و نستعین به و نؤمن به و نستغفره و نصلی و نسلم علی حبیبه و خیرته فی خلقه و حافظ سرّه و مبغرسالاته بشیر رحمته و نذیر نعمته سیّدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی اله الأَطیبین الأَطهرین المنتجین سیّما بقیّة الله فی الأرضین.

همه‌ی برادران و خواهران نمازگزار و عزیز را و خودم را توصیه می‌کنم به رعایت تقوای الهی، که برترین محصول و نتیجه‌ی این ماه مبارک است. ماه مبارک رمضان با همه‌ی برکاتش و همه‌ی زیبایی‌های معنوی‌اش، بار دیگر فرا رسید. از قبل از شروع ماه مبارک، پیامبر معظم اسلام مردم را آماده می‌فرمود برای ورود در این عرصه‌ی خطیر و والا و پربرکت؛ «قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکة و الرّحمة». در خطبه‌ی روز جمعه‌ی آخر ماه شعبان، بنا به روایتی اینطور فرمود: خبر داد، توجه داد به مردم که ماه رمضان فرا رسید. اگر بخواهیم در یک جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم ماه فرصتها، فرصتهای فراوانی در این ماه در برابر من و شماست. اگر از این فرصتها بتوانیم درست استفاده کنیم، یک ذخیره‌ی عظیم و بسیار ارزشمندی در اختیار ما خواهد بود. من درباره‌ی همین مطلب اندکی توضیح عرض می‌کنم و خطبه‌ی اول درباره‌ی همین مسائل مربوط به ماه رمضان و این فرصتهای بی‌نظیر است.

در همین خطبه‌ای که اشاره شد، رسول مکرم فرمودند که «شهر دعیتم فیهِ الی ضیافة الله»؛ این یک ماهی است که شما در این ماه دعوت شده‌اید به میهمانی الهی. خود این جمله در خور تدبیر و تأمل است؛ دعوت به میهمانی الهی. اجبار نکردند که همه‌ی افراد از این میهمانی استفاده کنند؛ نه، فریضه فرار داده‌اند؛ اما تحت اختیار خود ماست که از این میهمانی استفاده بکنیم یا نکنیم. بعضی هستند که در این میهمانی عظیم اصلاً فرصت این را پیدا نمی‌کنند که به این دعوتنامه توجه کنند. غفلت آنها، فرورفتگی آنها در کار مادیت و دنیای مادی به قدری است که آمدن و رفتن ماه رمضان را نمی‌فهمند. مثل همین که کسی را برای یک میهمانی بسیار با شکوه و پرخیز و برکتی دعوت کنند و او فرصت نکند؛ غفلت کند از اینکه کارت دعوت را حتّی نگاه کند. اینها که دستشان بکلی خالی میماند. بعضی می‌فهمند این میهمانی هست، اما به این میهمانی نمی‌روند. کسانی که خدای متعال به آنها لطف نکرده است و توفیق نداده که با اینکه عذری ندارند، روزه را نمی‌گیرند یا از تلاوت قرآن یا از دعا‌های ماه رمضان محروم میمانند، آنها همین افراد هستند. کسانی هستند که وارد این میهمانی نمی‌شوند، نمی‌آیند به این میهمانی؛ حساب اینها روشن است. جمع کثیری از مردم مسلمان - امثال ما - وارد این میهمانی می‌شویم، اما بهره‌ی ما از این میهمانی به یک اندازه نیست؛ بعضی‌ها بیشترین بهره را از این فرصت می‌برند.

ریاضتی که در میهمانی این ماه وجود دارد - که ریاضت روزه و گرسنگی کشیدن است - شاید بزرگترین دستاورد این ضیافت الهی است. برکاتی که روزه برای انسان دارد، به قدری این برکات از لحاظ معنوی و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت بزرگترین برکات این ماه همین روزه است. روزه را بعضی می‌گیرند؛ پس اینها وارد ضیافت شده‌اند و بهره‌ی از این ضیافت را هم گرفته‌اند. لیکن علاوه‌ی بر روزه گرفتن - که ریاضت معنوی این ماه مبارک است - اینها آموزش خود را هم از قرآن در حد اعلی تأمین می‌کنند؛ تلاوت قرآن با تدبیر. با حالت روزه‌داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه‌داری، در شبها و نیمه شبها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرا می‌گیرد، در حال متعارف و معمول نمیتواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند؛ آنها از این هم بهره می‌برند. علاوه‌ی بر اینها، از مکالمه‌ی با خدای متعال و مخاطبه‌ی با خدا، راز و نیاز کردن، دل خود را و اسرار درون خود را برای خدا به زبان آوردن هم بهره‌برداری می‌کنند؛ یعنی همین دعاها. این دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی، این دعا‌های روزها، این دعا‌های شبها و سحرها، اینها حرف زدن با خداست، خواستن از خداست، نزدیک کردن دل به ساحت حریم عزت الهی است؛ از این هم بهره می‌برند. بنابراین در این میهمانی، از همه‌ی دستاوردهای آن بهره می‌برند.

از اینها مقدم‌تر، شاید به جهتی بالاتر از اینها، ترک گناهان است؛ در این ماه گناه هم نمی‌کنند. در همان روایت خطبه‌ی پیامبر اعظم، امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) سؤال میکند از پیغمبر که در این ماه کدام عمل بافضیلت‌تر است. در جواب می‌فرماید: «الورع عن محارم الله». اجتناب از گناهان و از محارم الهی، بر کارهای اثباتی و ایجابی مقدم است؛ جلوگیری از آلودگی و زنگار روح و دل است. این افراد از گناه هم اجتناب می‌کنند. پس هم روزه‌داری است، هم تلاوت است، هم دعا و ذکر است، هم دوری از گناهان است. این مجموعه، انسان را از لحاظ اخلاق و رفتار هم به آن چیزی که مورد نظر اسلام است، نزدیک می‌کند. وقتی این مجموعه کار انجام گرفت، دل انسان از کینه‌ها خالی می‌شود؛ روح ایثار و فداکاری در انسان زنده می‌شود؛ کمک به محرومان و مستمندان برای انسان آسان می‌شود؛ گذشت به نفع دیگران و به زیان خود در امور مادی برای انسان روان می‌شود. لذا می‌بینید در ماه رمضان جرم و جنایت کم می‌شود، کار خیر زیاد می‌شود، محبت بین افراد جامعه بیش از اوقات دیگر می‌شود؛ که اینها به برکت همین ضیافت الهی است.

بعضی اینطور از ماه رمضان بهره‌ی کامل می‌برند، بعضی هم نه؛ از یک چیزی بهره‌مند می‌شوند، از چیز دیگری خود را محروم نگه میدارند. باید

تلاش مسلمان در این ماه این باشد که حداکثر بهره را از این ضیافت الهی بگیرد و دست پیدا کند به رحمت و مغفرت الهی، که من تأکید کنم بر روی استغفار؛ استغفار از گناهان، استغفار از خطاها، استغفار از لغزشها؛ چه گناهان کوچک، چه گناهان بزرگ. این خیلی مهم است که در این ماه، ما خودمان را، دلمان را از زنگارها پاک کنیم؛ خودمان را از آلودگی‌ها مصفا کنیم، شستشو بدهیم؛ و این با استغفار امکان‌پذیر است. لذا در روایات متعددی دارد که بهترین دعاها یا در رأس دعاها، استغفار است؛ طلب مغفرت از پروردگار. برای همه هم استغفار هست. پیغمبر اکرم هم - آن انسان والا - استغفار میکرد. حالا استغفار امثال ما از نوعی از گناهان است؛ این گناهان متعارف و معمولی و گرایشهای حیوانی در وجود ما و همین گناهان به تعبیری میگوئیم گناهان چارواداری؛ گناههای آشکار و واضح. بعضی‌ها استغفارشان از چنین گناهانی نیست؛ از ترك اولی است. بعضی ترك اولی هم نمیکند؛ اما استغفار میکنند، که این استغفار از قصور ذاتی و طبیعی انسان ممکن در قبال عظمت ذات مقدس پروردگار است؛ استغفار از عدم معرفت کامل، که این مال اولیاء و مال بزرگان است.

ما باید از گناهانمان استغفار کنیم. فایده‌ی بزرگ استغفار این است که ما را از غفلت نسبت به خود خارج میکند. ما گاهی در مورد خودمان دچار اشتباه میشویم. وقتی به فکر استغفار می‌افتیم، گناهان، خطاها، خیره‌سری‌ها، پیروی از هوای نفس که کردیم، تجاوز از حدود که انجام دادیم، ظلمی که به نفس خودمان کردیم، ظلمی که به دیگران کردیم، جلوی چشم ما زنده میشود و به یادمان می‌آید که چه کرده‌ایم؛ آن وقت دچار غرور، دچار نخوت، دچار غفلت نسبت به خود نمیشویم. اولین فایده‌ی استغفار این است. بعد هم خدای متعال وعده فرموده است که آن کسی که استغفار کند، یعنی به عنوان يك دعای حقیقی از خدای متعال حقیقتاً آمرزش بطلبد و از گناه پشیمان باشد، «لوجد الله توباً رحیماً»؛ خدای متعال توبه‌پذیر است. این استغفار، بازگشت به سوی پروردگار است؛ پشت کردن به خطاها و گناهان است و خداوند میپذیرد؛ اگر استغفار، استغفار حقیقی باشد.

توجه کنید که همین‌طور آدم به زبان بگوید: استغفرالله، استغفرالله، استغفرالله، اما حواسش این طرف و آن طرف باشد، این فایده‌ای ندارد؛ این استغفار نیست. استغفار يك دعاست، يك خواستن است؛ باید انسان حقیقتاً از خدا بخواهد و مغفرت الهی و گذشت پروردگار را بطلبد؛ من این گناه را کرده‌ام؛ پروردگارا! به من رحم کن، از این گناه من بگذر. اینطور استغفار کردنی نسبت به هر يك از گناهان، مسلماً غفران الهی را پشت سر خواهد داشت؛ خدای متعال این باب را باز فرموده است.

البته در دین مقدس اسلام، اقرار به گناه پیش دیگران ممنوع است. اینکه در بعضی از ادیان هست که بروند توی عبادتگاه‌ها، پیش روحانی، کشیش، بنشینند، اعتراف به گناه کنند، این در اسلام نیست و چنین چیزی ممنوع است. پرده‌داری نسبت به خود و افشای اسرار درونی خود و گناهان خود پیش دیگران، ممنوع است؛ هیچ فایده‌ای هم ندارد. اینکه حالا در آن ادیان خیالی و پنداری و تحریف شده اینطور ذکر میشود که کشیش گناه را میبخشد، نه؛ در اسلام بخشنده‌ی گناه، فقط خداست. حتی پیغمبر هم نمیتواند گناه را ببخشد. در آیه‌ی شریفه میفرماید: «ولو اثم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا لله و استغفر لهم الرسول لوجد الله توباً رحیماً»؛ وقتی گناهی انجام دادند، ظلم به نفس کردند، اگر بیایند پیش تو که پیغمبر هستی، از خدای متعال طلب مغفرت و طلب بخشش کنند و تو هم برای آنها طلب بخشش کنی، خداوند توبه‌ی آنها را میپذیرد. یعنی پیغمبر برای آنها طلب بخشش میکند؛ خود پیغمبر نمیتواند گناه را ببخشد؛ گناه را فقط خدای متعال باید ببخشد. این استغفار است، که این استغفار حقیقتاً جایگاه مهمی دارد. از استغفار در این ماه غفلت نشود؛ بخصوص در سحرها، در شبها، دعاهائی که در ماه رمضان هست، اینها را با توجه به معانی‌اش بخوانید.

بحمدالله جامعه‌ی ما يك جامعه‌ی معنوی است. دعا و توجه و توسل و ابتهاج الی‌الله در بین مردم ما رایج است و مردم دوست میدارند؛ جوانهای ما دل‌های پاک و نورانی‌شان به ذکر خدا متمایل است؛ اینها همه فرصت است. ماه رمضان هم که يك فرصت الهی است، در اختیار ما قرار داده شده؛ استفاده کنید از این ماه مبارک، از این فرصت بسیار بزرگ؛ دل‌ها را به خدا نزدیک کنید، آشنا کنید؛ با استغفار، دل‌ها و جان‌ها را پاکیزه کنید؛ خواسته‌هایتان را با خدای متعال مطرح کنید. ارتباط معنوی ملت ما با خدای متعال کارهای بزرگی انجام داده است، و ماه رمضان فرصت فوق‌العاده‌ای است برای این کار؛ از این فرصت استفاده شود.

انشاءالله خداوند متعال به همه‌ی ما کمک کند تا بتوانیم در این ماه رمضان جنبه‌ی فرشته‌گون وجود خود را بر جنبه‌ی حیوانی خود غلبه دهیم. ما يك جنبه‌ی ملکی و فرشته‌ای داریم، يك جنبه‌ی مادی و حیوانی داریم. هوی‌های نفسانی، جنبه‌ی مادی را بر آن جنبه‌ی ملکی و فرشته‌ای غلبه میدهد. انشاءالله در این ماه رمضان بتوانیم آن روحانیت را، آن نورانیت را بر جنبه‌ی مادی غلبه بدهیم و این را به عنوان ذخیره‌ای نگه داریم و از ماه رمضان به عنوان تمرینی که در طول سال این تمرین به کار ما خواهد آمد، انشاءالله استفاده کنیم.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

والعصر. انّ الانسان لفی خسر. الاّ الذین امنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر.

خطبه‌ی دوم

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین والصّلاة والسّلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی اله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیما علی امیرالمؤمنین و سیّدۃ نساء العالمین و الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجتّه و علی‌بن‌الحسین و محمدبن‌علی و جعفربن‌محمد و موسی‌بن‌جعفر و علی‌بن‌موسی و محمدبن‌علی و علی‌بن‌محمد و الحسن‌بن‌علی و الخلف القائم المهدی حججک علی عبادک و امثالك فی بلادک و صلّ علی ائمّة المسلمین و حماة المستضعفین و هدایة المؤمنین و استغفر الله لی و لکم

در این خطبه اولین مطلبی که عرض میکنیم، یاد نیک مرحوم آیه‌الله طالقانی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) است که نماز جمعه‌ی باشکوه تهران اول بار به امر امام بزرگوارمان به امامت ایشان برگزار شد. این مرحوم یک عالم مجاهد بااستقامت پارسا و پاکیزه‌ای بود؛ امتحان خوبی هم داد. هم در دوران مبارزه، هم پس از پیروزی انقلاب و در این معادلات پیچیده و بسیار دشواری که در زمینه‌های سیاسی و امنیتی بعد از انقلاب پیش آمد، مرحوم آیه‌الله طالقانی امتحان خوبی داد. نماز جمعه هم نهاد بابرکتی شد؛ چه در تهران، چه در سایر شهرهای این کشور. بتدریج نماز جمعه در شهرهای کوچک و کوچکتر هم در سرتاسر کشور اسلامی در هر نقطه‌ای تبدیل شد به کانون هم معنویت و هم مقاومت. نماز عبادی - سیاسی که تعبیری بود که آن روز ظاهراً از زبان امام بزرگوارمان صادر شد، به این معناست؛ هم مرکز عبادت است، هم مرکز آگاهی معنوی و سیاسی است؛ که این آگاهی موجب نلغزیدن، راه کج نکردن و به زانو در نیامدن یک ملت است. اغلب این شکست‌هایی که شما در صحنه‌ی سیاسی در دنیا برای ملت‌ها مشاهده میکنید، منشأش ناآگاهی‌هایی است که ضربه‌های خود را در جاهای گوناگونی زده است. آگاهی، یک ملت را ضد ضربه میکند؛ او را آماده میکند برای مقاومت. بنابراین اینجا، هم پایگاه معنویت است، هم پایگاه مقاومت. قدر این نماز را، هم آحاد مردم بدانند، هم بخصوص جوانهای عزیزمان بدانند، و هم آقایان ائمه‌ی جمعه‌ی محترم در سراسر کشور بدانند؛ آنها هم قدر این نماز را بدانند؛ این یک منبری است که نظیر آن دیگر وجود ندارد. کاری کنند که جاذبه‌ی نماز جمعه، جوانها و دلهای پاکیزه و مشتاق را به این سمت بکشاند و این کانون روزبه‌روز گرمتر شود.

یک مطلب دیگر که عرض میکنم و آن را مقدمه قرار میدهم برای مطلب اصلی‌ای که عرض خواهم کرد، مسأله‌ی هفته‌ی دفاع مقدس است که در پیش است. جنگی که در سال 1359 علیه جمهوری اسلامی شروع شد، اگرچه از طرف صدام بدبخت و روسیاه بود، اما پشت سر این قضیه یک پروژه‌ی بین‌المللی استکباری بود برای زمین زدن نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی. تحلیلگران غربی تحلیل کردند و فهمیدند و درست هم فهمیدند که این انقلاب فقط این نیست که یک رژیم دست‌نشانده را در ایران از بین برده است و این کشور عظیم و پربرکت را از سیطره‌ی استکبار خارج کرده؛ بلکه این حرکت الهام‌بخش خواهد شد، دنیای اسلام را تکان خواهد داد، ملت‌ها را به فکر خواهد انداخت. همین هم شد؛ فلسطین به فکر افتاد، کشورهای شمال آفریقا به فکر افتادند، در تمام دنیای اسلام حرکت و جنب و جوش هویت‌یابی اسلامی شروع شد که تا امروز هم همچنان روبه توسعه و گسترش است. چون فهمیدند که اینجا کانون الهام‌بخش دنیای اسلام خواهد شد، گفتند جمهوری اسلامی را باید ما به هر کیفیتی هست، از بین ببریم. لذا با اینکه منطقه، منطقه‌ی خطیری است، منطقه‌ی نفت است و غربی‌ها خیلی به مسأله‌ی نفت و خلیج فارس اهمیت میدهند و امنیت اینجا برایشان حیاتی است، لیکن در عین حال وارد میدان شدند، صدام را تقویت کردند، بلکه او را تشجیع کردند که این جنگ را شروع کند؛ او هم چون آدم نادان کله‌شقی قدرت‌طلب خامی بود، خیال میکرد که حالا می‌آید دو سه روزه یا چند هفته‌ای مسأله را تمام میکند و با قدرت برمی‌گردد سر جای خود. لذا وارد این جنگ شدند و هشت سال تمام ایران اسلامی فشارهای همه‌جانبه‌ای را که از سوی همه‌ی قدرتهای بزرگ دنیا بر ایران از کانال جنگ وارد شد، تحمل کرد؛ این خیلی مهم است. شوروی سابق از این کانال به ایران فشار آورد، امریکا فشار آورد، پیمان ناتو - اروپائی‌ها - فشار آوردند، مرتجعین منطقه با انواع و اقسام طرق از این کانال علیه جمهوری اسلامی فشار آوردند. یکی از این فشارها هر انقلابی را، هر دولتی را به زانو درمی‌آورد و از پا می‌انداخت؛ اما مجموع این فشارها نه فقط جمهوری اسلامی را از پا درنیاورد، بلکه ملت ایران را قوی‌تر و آگاه‌تر، و عزم و اراده‌ی آنها را راسخ‌تر کرد و جمهوری اسلامی را روزبه‌روز به سمت قوت اسلامی و الهی بیشتر برد. ایستادگی در میدان دفاع، چنین اثری را به وجود آورد.

ضربات فراوانی هم به جبهه‌ی مقابل زده شد. یعنی صدام و رژیم بعثی ضربه‌ی اصلی را اینجا خوردند. امریکا به فکر افتاد که میتواند دست و پای آنها را جمع کند. یعنی دیدند رژیمی است توخالی که متکی به مردمش نیست؛ این را فهمیدند. در واقع ضربه‌ی اصلی را ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به این متجاوز زد، که آخرش به این‌جاها منتهی شد که ملاحظه میکنید. اما جمهوری اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر شد. حالا میشنوید میگویند تحریم و محاصره و از این حرف‌ها. از این محاصره‌ها و تحریم‌ها بمراتب بدتر در دوره‌ی جنگ بود. ما در میان همان تحریم‌ها بوده است که نیروهای نظامی دست خالی خودمان را امروز به اینجا رساندیم و از لحاظ توانائی‌های نظامی، جمهوری اسلامی در خط مقدم توانائی نظامی در این منطقه است. امکاناتی که جمهوری اسلامی توانسته است با قدرت، با ابتکار، با استفاده از خلاقیت خود و با جوشش درونی به وجود بیاورد، چشم‌ها را خیره کرده است. در زمینه‌های گوناگون علمی و فناوری و پیشرفتهای گوناگون هم که جای خود دارد و روشن است، که یک نمونه‌اش این مسأله‌ی انرژی هسته‌ای است. اینها همه در دوران تحریم و در دوران فشار، به دست ملت ایران آمد. یعنی تحریم‌ها نه فقط اثری نکرد، بلکه اثر عکس کرد؛ نیروهای درونی را به فکر واداشت و به حرکت وادار کرد.

حالا حرف اصلی‌ای که من میخواهم در جملات کوتاهی امروز عرض کنم، این است که سرکوب انقلاب و شکست انقلاب - که یک پروژه‌ی استکباری بود - در این منطقه شکست خورده است و بعکس، مهاجمین به انقلاب، حتی در حجم دولت حجیم و قدرتمندی مثل امریکا، روزبه‌روز به شکست و انهزام نزدیکتر میشوند. امروز ما نشانه‌ها و علائم واضح شکست را در سیاست‌های امریکائی در منطقه مشاهده میکنیم. اینها برای ملت ما و برای جوانان ما و برای تحلیلگران ما سرفصل‌های مهمی است که باید روی آن واقعاً تدبیر کنند. یعنی بحث عظیم مواجهه‌ی نیروهای مردمی متکی به معنویت با نیروهای مادی متکی به زور و تهدید، یک بحث بسیار مهم و جدیدی است که باید در مباحث علوم اجتماعی و روان‌شناسی ملت‌ها و روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد؛ این کاملاً مغفول‌عنه است. ملتی مثل ملت ما که نه بمب اتم دارد، نه از لحاظ علمی به او فرصت داده شده در طول صد سال که همپای پیشروان قافله‌ی علمی حرکت کند و مواقع زیادی عقب مانده، هم از لحاظ ثروت‌ها به پای آن کشورهای ثروتمند نمی‌رسد، اما در عین حال این کشور و این ملت توانسته است توطئه‌های مجموعه‌ی کشورهای قدرتمند برخوردار از سلاح و تکنولوژی و ثروت مادی و رسانه‌ای را در مهمترین میدانها به عقب‌نشینی وادار کند و شکست بدهد. این علتش چیست؟ این در خور تأمل و تدقیق است. این را باید دانشمندان علوم سیاسی و علوم اجتماعی تحلیل کنند؛ ببینند نقش این معنویت‌ها چگونه خود را نشان میدهد، که امروز در ایران نشان داده. لذا نگاه به این صحنه، نگاه عبرت‌آموز و درس‌آموزی است. صحنه، صحنه‌ی شکست قدرت استکباری امریکاست. نمیخواهیم ادعای واهی بکنیم؛ نه، اینها چیزهای واضحه‌ی است و خودشان هم میگویند.

امریکائی‌ها قضیه‌ی 20 شهریور، یعنی همان 11 سپتامبر چهار پنج سال قبل را بهانه‌ای قرار دادند برای اینکه مطامع خودشان را در خاورمیانه پیش ببرند. هدف اصلی آنها هم این بود که بتوانند خاورمیانه‌ای درست کنند بر محور منافع اسرائیل؛ به تعبیری که آن روز ما میکردیم،

خاورمیانه‌ای با پایتختی اسرائیل؛ اینطور چیزی مورد نظرشان بود. اشغال عراق و حمله‌ی به عراق، جزئی از نقشه‌های این پروژه بود. عراق یکی از ثروتمندترین کشورهای این منطقه و کشورهای عربی است؛ کشوری که امروز متأسفانه مردمش اینطور در فقر و حالت دردآوری زندگی میکنند. امریکائی‌ها میخواستند این کشور را در مشت بگیرند - صدام کافی نبود، غیر قابل محاسبه بود - دولتی را در آنجا سر کار بیاورند که هم ظاهر مردمی داشته باشد، هم توی مشت آنها باشد. این یکی از قدمهای مهم ایجاد خاورمیانه‌ی جدید بود که باید بر محور منافع اسرائیل به وجود بیاید. آن وقت چنین خاورمیانه‌ای میتواند ایران اسلامی را در محاصره قرار بدهد؛ هدفشان این بود. شما حالا جزء جزء این نقشه را مورد ملاحظه قرار بدهید. در فلسطین این نقشه شکست خورد. فلسطین که يك نقطه‌ی اصلی و محوری بود، این نقشه در آنجا شکست خورد. چرا؟ به خاطر اینکه در فلسطین گروه حماس که بزرگترین و اصلی‌ترین هسته‌ی مقاومت در مقابل اسرائیل است، با آراء مردم دولت تشکیل داد و سر کار آمد. تودهنی به امریکا و اسرائیل از این بالاتر؟ از آن روزی هم که این دولت به وجود آمده است، مرتب دارند کارشکنی میکنند که از میدان خارجش کنند؛ اما تا امروز نتوانسته‌اند. متأسفانه از خود بعضی از فلسطینی‌ها هم کمک گرفتند برای به زانو در آوردن دولت مردمی فلسطین؛ اما تا امروز بحمدالله نتوانسته‌اند، امیدواریم بعد از این هم نتوانند. این مربوط به فلسطین.

خود رژیم صهیونیستی هم - که هدف، تقویت این رژیم بود - ضربه خورد و امریکائی‌ها هم تودهنی خوردند. چگونه تودهنی خوردند؟ تابستان سال گذشته، این نیروی نظامی پرهیاهوی پرمدا - ارتش اسرائیل که ادعا میشد قوی‌ترین ارتش این منطقه است - با ساز و برگ مفصل وارد جنگ با لبنان شد؛ آن هم نه با يك کشور، نه با يك دولت؛ با يك نیروی منظم، با چند هزار نیروهای حزب‌الله و مقاومت اسلامی. سی‌وسه روز این جنگ طول کشید، که در این منطقه سابقه ندارد. چندین جنگی که اسرائیل با اعراب داشته است، از چند روز - حداکثر یکی دو هفته - تجاوز نکرده است. این جنگ، سی‌وسه روز طول کشید و با شکست کامل و مفتضحانه‌ی ارتش اسرائیل تمام شد. کی تصور میکرد؟ امریکائی‌ها اصلاً فکرش را نمیکردند، اما اتفاق افتاد. این هم يك تودهنی. آنها قصد داشتند در لبنان حزب‌الله را خلع سلاح کنند؛ اما حزب‌الله نه فقط خلع سلاح نشد، بلکه آنچنان قوی و مقتدر شد که توانست ارتش اسرائیل را که به صورت افسانه‌ای شکست‌ناپذیر میدانستند، شکست بدهد.

پس در مورد دولت فلسطین شکست خوردند، در مورد دولت جعلی صهیونیستی شکست خوردند، در مورد قطع کردن دست جوانان رشید لبنانی از کمک به فلسطین شکست خوردند، در مورد عراق هم شکست خوردند. عراق را آمدند اول با فتح نظامی اشغال کردند. این، قدم اول بود و بخش آسان مسئله بود. امروز بیش از چهار سال از اشغال عراق به وسیله‌ی امریکائی‌ها و همپیمانانشان می‌گذرد. همه در دنیا قضاوتشان این است که امریکا در عراق شکست خورده. همه‌ی تحلیلگران دنیا می‌دانند که امریکا امروز با سراسیمگی دنبال راهی میگردد که آبرومندانه از عراق خارج شود. همه می‌دانند که امریکا در عراق به بن‌بست رسیده. هدف امریکائی‌ها این بود که يك دولت دست‌نشانده به وجود بیاورند. دولتی که مردم عراق روی کار آورده‌اند، دولتی است که با هدفهای امریکائی خیلی فاصله دارد؛ در مقابل امریکائی‌ها می‌ایستد؛ دست‌نشانده‌ی آنها و تسلیم آنها نیست. امریکائی‌ها خیلی به این در و آن زدند، بلکه بتوانند دولت مردمی را ساقط کنند و دولت خودشان را سر کار بیاورند، اما نتوانستند؛ تا امروز هم نتوانسته‌اند. اگر ملت عراق ان‌شاءالله هوشیاری‌شان را حفظ کنند، بعد از این هم نخواهند توانست.

در مورد تضعیف جمهوری اسلامی و محاصره‌ی جمهوری اسلامی هم قضیه بعکس شده. به همت مردم ایران، به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی پروردگار، این ملت نردبان اعتلاء و ترقی را همین‌طور پی‌درپی، پله بعد از پله پیموده و بالا رفته است. امروز ما از لحاظ موقعیت سیاسی از چهار سال قبل و پنج سال قبل که امریکائی‌ها آن هدف را شروع کردند، بالاتریم. امروز ما از لحاظ تمکن علمی بالاتریم؛ از لحاظ منابع مالی جلوتریم. امروز ملت ما از لحاظ نشاط و آمادگی روحی جلوترند. امروز ملت ما از لحاظ حاکمیت ارزشهای انقلابی و میانی امام بزرگوار، جلوتر از گذشته است. در طول این چهار پنج سال هرچه تلاش کردند، بعکس، ملت ایران زنده‌تر، هوشیارتر، بانشاطتر و در صحنه‌ترند و در هیچ مسأله‌ای نیست که انسان ببیند ملت ایران از خودشان بی‌تفاوتی نشان میدهند، در حالی که جای حضور آنهاست. محصول امریکا این است؛ شکست کامل در قضیه‌ی اهداف خود. علاوه بر این، امریکائی‌ها امروز از طرف امت اسلامی مورد سؤالند و استیضاح میشوند. امروز امریکا در افکار عمومی ملت اسلام و امت اسلامی محکوم است. می‌شنوید این نظرخواهی‌ها و نظرسنجی‌های گوناگون را در اطراف دنیای اسلام؛ همه حکایت میکند از منفوریت امریکا و محکومیت امریکا؛ اینها مورد سؤالند.

من اعتقاد راسخ دارم که روزی خواهد آمد که همین رئیس جمهور کنونی امریکا و مسئولین امریکائی در يك دادگاه عادلانه‌ی بین‌المللی به خاطر فجایعی که در عراق به وجود آورده‌اند، گریبانشان گرفته شود و محاکمه شوند. امریکائی‌ها باید جواب بدهند چرا از اشغال عراق دست برنمی‌دارند؛ باید جواب بدهند که چرا عراق را اینطور امواج ناامنی و طوفانهای ناامنی و تروریستی فراگرفته. تروریسم را امریکائی‌ها آوردند به عراق تحمیل کردند. باید جواب بدهند که در این کشور ثروتمند چرا پنجاه درصد مردم امروز بیکارند؛ چرا از خدمات عمومی در این کشور اثری نیست. مردم مشکل برق دارند، مشکل سوخت دارند، مشکل آب سالم و آب آشامیدنی دارند، مدارسشان ویران شده، دانشگاه‌هایشان ویران شده، مدرسه‌ای ساخته نشده، بیمارستان‌هایشان از حیّز انتفاع خارج شده. مردم نیازمند به بیمارستانند؛ کدام بیمارستان را امریکائی‌ها ساختند؟ کدام بیمارستان را تجهیز کردند؟ کدام دانشگاه را ساختند یا تعمیر کردند؟ کدام جاده را درست کردند؟ کدام خط لوله را کشیدند؟ کدام آب آشامیدنی را وصل کردند؟ اینها جواب لازم دارد؛ اینها را بایستی امریکائی‌ها جواب بدهند؛ نمیتوانند شانه خالی کنند. حالا امروز يك چهار صباح با بی‌اعتنائی با این قضایا برخورد کنند، اما همیشه اینطور نخواهد ماند؛ گریبان اینها را میگیرند؛ مثل اینکه گریبان خیلی‌ها گرفته شد. قدرتمندانی که گریبانشان گرفته شد، کم نیستند. گریبان هیتلر يك روز گرفته شد، گریبان صدام يك روز گرفته شد، گریبان بعضی از رؤسای اروپائی گرفته شد. ملتها با این روش مخالفند، ملت امریکا هم مخالفند. ملت انگلیس هم از بودن انگلیسی‌ها در عراق ناراحت بودند و بدشان می‌آمد، که مجبور شدند انگلیسی‌ها بگذارند از بصره خارج شوند. مردم اسپانیا و ایتالیا هم که دولت‌هایشان کمک امریکا در جنگ به عراق بودند، آن دولت‌ها را ساقط کردند؛ دولت‌های دیگری در هر دو کشور سر کار آمدند. مردم دنیا از این وضع ناراحتند. آنچه پیش می‌رود، خواست ملت‌هاست؛ خواست آحاد مردم است. قدرت‌نمایی قدرتمندان دیری نمیپاید. امریکا شکست خورد. در این حرکتی که از چند سال پیش در این منطقه راه انداختند، که هدفش خاورمیانه بود و به نظر ما هدف نهائی و غائی‌اش جمهوری اسلامی بود، نه

خاورمیانه را توانستند به دست بیاورند، نه جمهوری اسلامی را توانستند تضعیف کنند؛ عراق هم که وضعیتشان اینطوری است. امریکائی‌ها دچار مشکلند. حالا فراق‌کنی و طلبگار شدن رسانه‌ای که اهمیتی ندارد. حالا ایران یا کشور دیگری را متهم بکنند، که ماه‌های ندارد. اما در خود این گزارش‌هایشان، ضعف و فروماندگی و پای در گلی کاملاً آشکار است. همین نمایندگان سیاسی و نظامی امریکا در عراق که رفتند به کنگره‌ی امریکا گزارش جنگ عراق را بدهند، چیزی که توانستند به عنوان دستاورد ذکر بکنند، این بود که گفتند عراق به بازار تسلیحاتی امریکا ملحق شد. خاک بر سرتان! يك کشور را گرفتند، اینطور مردم را لگدمال کردند، اینطور منافع ملت را از بین بردند، آنطور به ملت خودشان دروغ گفتند که ما به این نیت داریم میرویم، این کارها را می‌خواهیم بکنیم، حالا نتیجه این است که تسلیحات امریکا در عراق قابل فروش رفتن است! این، نشان‌دهنده‌ی نهایت ضعف و عقب‌ماندگی است؛ نشان‌دهنده‌ی این است که حقیقتاً ناکامند. برادران و خوه‌ران عزیز! ملت بزرگ ایران! قدر خودتان را بدانید؛ قدر این راه را بدانید؛ قدر این صراط مستقیمی که شما را قدرتمند و عزیز کرد و دشمن شما را در مقابل شما کوچک و حقیر کرد، بدانید. این راه، راه خداست؛ دعوت پیامبران خداست؛ راه حاکمیت اسلام است. ما مسائل فراوانی در زمینه‌ی امور داخلی کشورمان داریم که میتوانیم درباره‌ی آنها بحث کنیم؛ اما مجال نیست. من تنها چیزی که عرض میکنم، این است که ملت ما هوشیار باشند، بیدار باشند. شما به برکت این بیداری و هوشیاری کارهای زیادی کرده‌اید، عرصه‌های زیادی پیش رفته‌اید و تصرف کرده‌اید، موفقیت‌های بزرگی به دست آورده‌اید؛ باز هم در سایه‌ی همین بیداری و هوشیاری است که خواهید توانست قله‌ها را فتح کنید، خواهید توانست خود را از آسیب‌پذیری بیرون بیاورید. کاری کنید که دیگر کسی جرأت نکند ملت ایران را تهدید هم بکند. جمعه‌ی آخر ماه، روز قدس را داریم که حالا احتمال دارد در ماه رمضان امسال يك جمعه جلوتر بیفتد، برای اینکه همه‌ی کشورهای اسلامی بتوانند شرکت کنند. حالا این مسئولیتش با مسئولینی است که این کارها را تدبیر میکنند. جمعه‌ی قدس را به یاد داشته باشید و فراموش نکنید. ان‌شاءالله همه‌ی ما بتوانیم از فرصتهای این ماه حداکثر استفاده را بکنیم.